

نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی

ابوالحسن امین مقدسی*

اعظم شمس‌الدینی فرد**

چکیده

غدیر یکی از مهمترین سرچشمه‌های جوشان و الهام بخش شاعران و ادیبان در طول تاریخ به‌شمار می‌آید و شاعران زیادی در این زمینه بیتها سروده و شعرها گفته‌اند که هر یک بیانگر میزان ارادت ایشان به آستان مقدس امام علی (ع) می‌باشد. شعر عربی نیز از این قاعده مستثنی نیست و موضوعات و دستمایه‌های غدیریه‌های عربی، چنان وسیع است که محدود به بحث خاص و یا شاعری خاص نمی‌شود. با توجه به اهمیت والای موضوع غدیر و بازتاب فراوان آن در اشعار عربی، بر آن شدیم تا اشعار عربی را با تکیه بر درون‌مایه‌ها و اسلوب این اشعار بررسی نماییم. مطالعات حاصل از این تحقیق حاکی از آنست که در میان درونمایه‌های فراوان غدیریه‌های عربی، موضوعاتی از قبیل ابراز ارادت به امام علی (ع)، اشاره به آیه ولایت، بیعت با امام، نفرین دشمنان، اشاره به خلافت امام و نکوهش سقیفه بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است. اما از ناحیه‌ی اسلوب، سبک قصاید غالباً به‌صورت ایجاز است، گرچه در برخی موارد شاعران به استطراد و پراکنده‌گویی نیز پرداخته‌اند، غدیریه‌ها غالباً جنبه‌ی اقناعی و اثباتی دارند، البته این امر مانع از بهره‌گیری شاعران از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و بکارگیری تصاویر شعری بدیع و جذاب نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: غدیریه‌های عربی؛ ولایت؛ امام علی (ع)؛ درونمایه‌ها؛ اسلوب.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. abamin@ut.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، azamshamsoddini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

۱. مقدمه

غدیر از مهمترین موضوعات و دستمایه‌های شعر اسلامی است که نه منحصر به یک عصر و زمان، بلکه متعلق به همه‌ی اعصار از بدو پیدایش آن تا کنون است. در این میان غدیریه‌های عربی نیز همپایه و چه‌بسا بیش از غدیریه‌های دیگر زبانها به این بحث مهم پرداخته و زوایای ریز و درشت آن را به تصویر کشیده است. موضوعات و درونمایه‌های شعر غدیر بسیار فراوان است اما می‌توان همه‌ی آنها را زیرمجموعه بحث ولایت دانست. با توجه به اهمیت این بحث مهم در اعتقادات و به تبع آن در ادبیات، بر آن شدیم که درونمایه‌های غدیریه‌های عربی را بررسی نماییم، بنابراین غدیریه‌های مهم عربی از قرن اول تا قرن حاضر موضوع کار این مقاله به‌شمار می‌آید و در این مجال سعی شده غدیریه‌های عربی سه بخش کلی درونمایه‌ها، اسلوب قصاید و پردازش زیبایی‌شنایی مورد بحث و بررسی قرار گیرند که به ترتیب بدانها خواهیم پرداخت. خاطر نشان می‌کنیم در زمینه‌ی غدیر تألیفات ارزشمندی صورت گرفته‌است که از مهمترین آنها می‌توان به کتاب معروف (الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب) تألیف علامه امینی، اشاره نمود. اثر دیگر علامه امینی (غدیریات) است که خلاصه‌ای از کتاب الغدیر اوست. کتاب دیگر (الغدیر فی الأدب الشعبي) اثر حسین بن حسن بهبهانی است. سید طالب خراسان نیز کتابی با عنوان (غدیریات هادفه) در این زمینه تألیف نموده‌است. علاوه بر کتاب در زمینه‌ی مقاله نیز می‌توان به (قراءه فی کتاب شعراء الغدیر) اثر علی مهدی زیتون در مجله منهج چاپ بیروت سال ۱۴۲۰ اشاره نمود.

اما در این تحقیق این سؤالات مطرح می‌شود:

۱. مهمترین درونمایه‌های اشعار غدیر چیست؟
۲. اسلوب کلی این قصاید چگونه می‌باشد؟
۳. غدیریه‌های عربی تا چه حد از زیبایی‌های بیانی بهره برده‌اند؟

۲. بررسی درونمایه‌های غدیریه‌های عربی

۱.۲ ابراز ارادت به آستان مقدس امام علی (ع)

اظهار ارادت و دوستی نسبت به امام علی (ع)، از موارد مهمی است که غدیریه‌سرایان بدان پرداخته‌اند، به عنوان مثال محمد بن عبدالله حمیری، غدیریه‌سرای قرن دوم هجری، شاعر

و مدافع امام علی(ع) در بارگاه معاویه، بی پروا از ارادت خود نسبت به آن امام سخن می‌گوید و از اینکه در راه این دوستی با دشمنان او روبرو گردد و آنها را از پای درآورد، ترسی به دل راه نمی‌دهد:

ولو أنى قتلت النفس حباً له ما كان فيها من أثم

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۱۹)

ترجمه: اگر من در راه دوستی او فردی را بکشم، گناهی بر من نخواهد بود. دعبل که خود شاعری شیعی است، و به علویین و فرزندان علی(ع) تعصبی شدید دارد، و این امر از اشعاری که در خلافت عباسی سروده‌است، کاملاً مشهود است (بستانی ۱۹۹۰، ج ۲: ۱۲۲) حب به اهل بیت(ع) که علی(ع) نیز از آنان است، را معیار قرب به خدا می‌داند و عقیده دارد بدون آن اعمال انسان قبول نمی‌شود و قرب به خداوند حاصل نخواهد شد:

فکیف و من أنى بطالب زلفه إلى الله بعد الصوم و الصلوات

سوی حبّ أبناء النبیّ ورهطه و بغض بنی الزرقاء والعبلات

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۴۹)

ترجمه: بعد از نماز و روزه چگونه و از کجا می‌توان خواستار قرب به خدا شد، جز از راه محبت به فرزندان پیامبر و خاندان او و دشمنی تبار مروان و بنی امیه. صنوبری که ابن شهر آشوب او را از شاعران اهل بیت(ع) می‌داند (امین، ۱۹۵۰، ج ۹: ۲۳۶) در وصف زیبارویان خیری نمی‌بیند و عشق و دوستی خود را در محبت پیامبر(ص) و جانشین او و همسر و فرزندانش می‌داند:

لا خیر فی وصف النساء فأعفنی عما تکلفنی من وصفیها

حبّ النبیّ محمد و وصیه مع حبّ فاطمة و حبّ بنیها

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۶۷)

ترجمه: هیچ خیری در وصف زنان نیست، پس مرا از تکلف در توصیف آنان بازدار. عشق محمد(ص) و جانشینش با عشق فاطمه(س) و عشق دو فرزندش ابوفراس، شاعر شیعه مذهب آل بویه از شاعران قرن چهارم هجری، نیز از آن دسته شاعرانی است که دوستی صادق و محبت خالصانه‌ی خود را به این امام همام بیان می‌کند و خود را هدایت‌یافته

و تربیت شده‌ی این مکتب می‌داند و با سلاح خود که همان قلم و شعرش می‌باشد، از این خاندان دفاع می‌کند:

یا ربّ اِنّی مهتد بهداهم
أهوی الذی یهوی النبیّ وآله
لا أهتدی یوم الهدی بسواه
أبدا وأشناً کلّ من یشناه
مستبصر من قاله ورواه
وأقولقولا یستدلّ بآئه

(ابوفراس، ۱۴۲۸: ۳۴۸)

ترجمه: پروردگارا من به هدایت آنان ره یافته‌ام و روز هدایت به هدایت دیگران نمی‌روم. من همیشه به کسی که پیامب(ص) و فرزندانش را دوست بدارد، عشق می‌ورزم و بد می‌شمارم هر کس که ایشان را بد شمرد. و سخنی می‌گویم که دلالت دارد بر بصیرت کسی که آن را می‌گوید یا روایت می‌کند.

شریف رضی که او را «أشعر قریش» می‌دانند و معتقدند که در میان قریش جز او کسی شعر خوب و زیاد نمی‌گوید (بغدادی، ۱۹۸۶، ج ۲: ۲۴۶)، غدیر را بهانه‌ی شادی و از بین رفتن غم و اندوه می‌داند به گونه‌ای که بوسیله‌ی غدیر، شادیهایی که رخت بسته بودند، دوباره باز خواهند گشت:

غدر السّرور بنا وکان وفاؤه یوم الغدیر

(شریف رضی، ۱۹۹۹ ج ۱: ۴۰۴)

ترجمه: سرور و شادی ما را ترک گفت و تنها روز غدیر به عهدش وفا کرد. و بخود را دوستدار قلبی او معرفی می‌نماید که آثار این دوستی قلبی بر زبان او جاری و نمایان است:

آثار شکرک فی فمی وسمات ودک فی ضمیری

(همان)

ترجمه: سپاس و ثنایت بر زبان جاریست و آثار مهرت بر دلم آشکار است. قاضی جلیس، غدیریه‌سرای قرن ششم نیز به جای اینکه غزل خود را با عشق به مهرویان و سیمتنان شروع نماید، ندای عشق را نادیده می‌گیرد و به مهر خاندان عصمت و طهارت دل می‌بندد و ایشان را مدح می‌کند:

تصاممت عن داعی الصبّا به والصبّا ولبیت داعی آل أحمد إذ دعا

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۸۴)

ترجمه: ندای عشق را نشدیده گرفتم و لیبیک منادی خاندان رسالت را اجابت نمودم. زیرا این عشق را یارا و هم‌وردی نیست. هدف او از این کار این است که راه حقیقت جوید و اندیشه‌ی تاریک و زنگار گرفته‌ی خویش را جلا دهد. او هم ابتدا به عشق زمینی می‌پردازد و گرفتاریهای خود را از اسارت این عشق بیان می‌کند، سپس در می‌یابد که چنین عشقی او را قانع نمی‌سازد، پس به دنبال عشق حقیقی گشته و آن را در محبت علی(ع) و خاندانش می‌یابد.

عزالدین عاملی، شاعر و غدیریّه‌سرای قرن دهم هجری، به واسطه‌ی محبت به پیامبر(ص) و آل او خود را از هرگونه ملامتی مبرا می‌داند و از اینکه پیوند آباء و اجدادی با ولایت دارد، به خود می‌بالد:

إلی ما أَلَمَّ وأمری شهیر	وأشفق من کلّ نذلّ حقیر
وحبّی النّبّیّ وآل النّبّیّ	وقولی بالعدل نعم الخفیر
ولی رحم تفتضی حرمة	ولی نسبة بولائی الخطیر

(همان، ج ۷: ۴۱)

ترجمه: چرا ملامت شوم درحالی که کارم شهرت یافته و از هر چیز فرومایه و بی‌ارزش برکنارم. دوستدار پیامبر(ص) و خاندان اویم و به حق و عدل سخن می‌گویم که چه خوب حامی و نگهبانی است. خاندانی دارم که شایسته‌ی احترام‌اند و نسبت و پیوندی با ولایت والامرته دارم.

محمد ظاهر قمی، شاعر سده‌یازدهم، عشق به علی(ع) را مرهون مادر خود و تربیت صحیح او می‌داند که فرزندش را با عشق و محبت علی(ع) پرورش داده‌است، به گونه‌ای که این عشق در وجود او ریشه دوانده و خالص و صادقانه گشته و چون نوری فراراه او قرار گرفته‌است و از لغزش، بدورش خواهد نمود:

قلبی یحبّ علیّا ذا العلی فلذا	أدعو لأمتی فی الإبکار والأصل
محبة المرتضی نور لصاحبها	یمشی بها آمنّا من آفة الزلّل
لزمت حبّ علی لا أفارقه	وداده من جنانی قطّ لم یزل (همان: ۲۰۵)

ترجمه: دل من دوستدار علی(ع)، آن شخصیت والامرتبه است. از همینرو در پگاه و شامگاه مادرم را دعا می‌کنم. عشق و محبت علی مرتضی(ع) نوریست که دوستدارش را از آفت لغزش در امان می‌دارد. عشق علی(ع) در وجودم همیشگی شده و هرگز از آن جدا نخواهم شد و دوستی او از قلبم زائل شدنی نیست.

۲.۲ برائت از دشمنان امام علی(ع)

غدیریه‌سرایان به موازات بیان و اظهار ارادت و دوستی خود به امام(ع)، تنفر خود را از دشمنان آن حضرت نشان داده و آن را در قالب شعر به تصویر کشیده‌اند، از جمله محمدبن عبدالله حمیری که اعتقاد دارد اعلام برائت نسبت به دشمنان امام(ع)، اساس و پایه‌ی مکتب و دین است:

فهذا القول لی دین و هذا
إلی لقیاک یا ربی کلامی
برئت من الذی عادی علیا
وحاربه من أولاد الطغام

(همان، ج ۲: ۱۷۷)

ترجمه: بارالها، تا هنگام ملاقات تو، این سخن اساس دین من شمرده می‌شود. من از کسی که با علی(ع) دشمنی نمود بیزارم و با ناپاک زادگان و ستمگران می‌ستیزم. کمیت بن زید اسدی، شاعر سده‌ی دوم هجری، لحن شدیدتری در بیان تنفر خود نسبت به دشمنان آن حضرت بکار می‌برد و بنی امیه را مخاطب این برائت قرار می‌دهد و از اینکه مطیع و فرمانبر آنها باشد، بیزار است و آشکارا آنها را لعنت می‌کند:

فقل لبنی أمیة حیث حلوا
وإن خفت المهند والقطیعا
ألا أف لدهر كنت فیه
هدانا طائعا لکم مطیعا

أجاءالله من أشبعتموه وأشبع من بجورکم أجمعا

(همان: ۱۸۰)

ترجمه: به بنی امیه، در هر جا که فرود آیند، و هرچند که از شمشیر آنان بترسی، بگو: هان بیزارم از روزگاری که در آن از شما بیمناک و فرمانبردار و مطیع شما باشم، خداوند گرسنه کند آنکس را که شما سیر کردید و سیر کناد آن را که به ستم شما گرسنه ماند.

۳.۲ بیان فضائل امام علی(ع)

غدیریه‌سرایان و ارادتمندان حضرت علی(ع) در اشعار خود سعی بر آن داشته‌اند تا با بیان فضائل و ویژگی‌های منحصر به فرد امام علی(ع) این شخصیت بارز را به همگان بشناسانند و با این مقدمات، بحث مهم ولایت حضرت را مطرح نمایند. در میان فضائل امام(ع)، شجاعت، ذهن شاعران فراوانی را معطوف خود ساخته‌است و معمولاً این اشعار در قالب استفهام انکاری و به سبک اقناعی سروده شده‌است، یعنی شاعر به این امر اتفاق نظر دارد و دلیل سرودن این اشعار و بکار بردن این روش فقط تقریر و تأیید مخاطب و جای گرفتن مطلب در ذهن او می‌باشد. چنانکه شاعر قرن هفتم، قاضی نظام‌الدین در بیان شجاعت امام چنین سروده‌است:

من المبارز فی وصف الجلال ومن أقام حقاً علی قطع البراهینا

(همان، ج ۵: ۴۳۴)

ترجمه: کیست که در میدان مبارزه و کارزار، مبارز و در مقام استدلال، اقامه‌ی دلیل قاطع می‌کند؟

ابوتمام از امام(ع) به «سیف الله» و «سیف الرسول» یاد می‌کند که هیچگاه کند نمی‌شود:

هو السیف سیف الله فی کلّ مشهد و سیف الرسول لا ددان ولا دثر

(ابوتمام، ۱۹۹۷: ۲۰۴)

ترجمه: وی شمشیر بران خدا و رسولش در هر جنگی بود، شمشیری که فرسودگی و کهنگی نداشت.

نظیر این تعبیر را شاعر اندلس، شمس‌الدین مالکی، شاعر قرن هشتم، نیز دارد:

وإنّ علیاً کان سیف رسوله و صاحبه السامی لمجد مشید

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۵۸)

ترجمه: براستی که علی(ع) شمشیر پیامبر(ص) و همنشین نام آور وی برای مجد و عزتی محکم و متین بود.

حسین رضا طباطبایی، ادیب، شاعر و زاهد پرهیزگار(امینی، ۱۹۵۰، ج ۲۶: ۵۸) قرن سیزده هجری، امام را دلیرمردی می‌داند که در دل روزگار نیز هراس می‌افکند:

من مرد الصّم العتاء سیفه سیف یهابه القضا إن ومضا

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۰۹)

ترجمه: او که متجاوزان و گردنکشان را با شمشیرش از پای درآورد، شمشیری که با درخششش در دل روزگار ترس و وحشت می‌افکند.

ویژگی دوم امام(ع) که باعث شده شاعران در باره آن داد سخن سر دهند، علم و دانش اوست که شاعران غدیر در بیان توصیف این ویژگی، معمولاً به حدیث پیامبر(ص) در این رابطه اشاره می‌کنند که فرمودند: (أنا مدينة العلم و عليّ بابها). شمس الدین مالکی پس از ذکر ابیاتی چند در مدح این امام همام، با اقتباس از این حدیث شریف، چنین سروده‌است:

وقال رسول الله إنني مدينة من العلم وهو الباب والباب فاقصد

(همان، ج ۶: ۵۸)

ترجمه: پیامبر(ص) فرمودند: من شهر علمم و علی(ع) دروازه‌ی آن، پس از در وارد شو. ویژگی دیگر امام(ع)، زهد و قناعت منحصر به فرد و مثال زدنی اوست، همو که دنیا را سه طلاقه کرده و دست طمع از آن کشیده‌است، شمس الدین مالکی چه زیبا این حالت را به تصویر کشیده‌است:

وما زال صوّاما منيبا لرّبّه علی الحقّ قوّاماً كثير التّعبد

قنوعا من الدّنيا بما نال معرضا عن المال مهما جاءه المال يزهد

لقد طلق الدّنيا ثلاثا وكلمّا رآها وقد جاءت يقول لها إبعدي

(همان)

ترجمه: او پیوسته روزه‌دار و بازگشت کننده به سوی معبودش بود، به حق قیام می‌کرد و بسیار عبادت می‌نمود. به آنچه از دنیا داشت، قناعت می‌کرد، از مال دنیا روی می‌گرداند، هرگاه مالی به او می‌رسید، از آن رویگردان بود. دنیا را سه طلاقه کرده‌بود، هرگاه آن را می‌دید که به سویش می‌آید، بدو می‌گفت دور شو.

قابل ذکر است که شاعر بیت آخر را از کلام امیرالمؤمنین(ع) از نامه‌ی ۴۵ نهج البلاغه اقتباس نموده‌است:

يا دنیا يا دنیا إليك عنّي أبی تعرّضت أم إلىّ تشوّقت لا حان حينک هیهات غرّی
غیری لا حاجة لی فیک قد طلّقتک ثلاثا لا رجعة فیها.

ای دنیا، ای دنیا، از من دوری گزین، خود را به من عرضه می‌کنی یا آرزومندم شده‌ای؟
زمان وصال نزدیک مباد، هرگز، غیر مرا فریب ده، که مرا به تو نیازی نیست، تو را سه
طلاقه کرده‌ام که آن را باز گشتی نیست.

ضیاءالدین هادی، شاعر دانشمند قرن نهم هجری، او را در همه‌ی صفات و فضائل، پس
از رسول خدا(ص) برتر می‌داند و از اینکه دیگران را با او مقایسه کنند یا برتری دهند،
شگفت‌زده می‌شود:

فهو الخليفة بعد المصطفى وله فضل التقدّم لم يسجد إلی صنم
فكيف تقدمه من لا يماثله في العلم والحلم والأخلاق والشيم
وفي الشجاعة والفضل العظيم وفي التدبير والورع المشهور والكرم

(همان، ج ۷: ۵)

ترجمه: او جانشین بعد از مصطفی(ص) و دارای فضل تقدم است که بر هیچ بتی
سجده نکرد. پس چگونه کسی را که در علم و حلم و اخلاق و خصال نیک و شجاعت و
فضل بزرگ و تدبیر و ورع و بخشش همانندش نیست، بر او مقدم می‌شمی؟

۴.۲ به‌نظم کشیدن ماجرای غدیر

تمام مواردی که تا کنون بدان پرداختیم، همه مقدمه‌ای بود برای پرداختن به بحث اصلی
ماجرای غدیر و بیان ولایت امام(ع) از جانب پیامبر(ص). در همه‌ی یغذیریه‌ها، شاعران به
نحوی به بیان و شرح این ماجرا پرداخته‌اند، البته روش پرداخت ایشان متفاوت است و
شاعران بسته به شعر خود، گاه به تفصیل، این حادثه‌ی تاریخی را به‌تصویر کشیده‌اند و
جزئیات آن را بطور دقیق بازگو کرده‌اند، بولس سلامه، شاعر مسیحی قرن چهاره هجری، از
این قبیل است، او در ملحمه‌ی خود که مرکزیت و محور آن را امام علی(ع) تشکیل
می‌دهد، یک سیر تاریخی از زندگی امام(ع) در قالب شعر ارائه می‌دهد و پس از ذکر
افتخارات و فضایل بنی‌هاشم در عصر جاهلی و حادثه‌ی بعثت نبوی، به امام علی(ع)
می‌پردازد و از فضایل او می‌گوید، سپس به ماجرای غدیر می‌رسد و آن را به صورت دقیق
توصیف می‌کند، این توصیفات ریز و جزئی شامل وصف انبوه حاجیان،

عاد من حجّة الوداع الخطير ولفيف الحجيج موج بحور

لجّة خلف لجة كانتشار الغيم صباحا في الفدفة المغمور (السيد، ۲۰۰۴: ۳۰)

ترجمه: پیامبر از آخرین حج مهم خود بازگشت، در حالیکه انبوه حجاج، همچون امواج دریا او را در بر گرفته بودند. جماعتی در پس جماعت دیگر مانند پراکنده شدن ابرهای سحرگاهی در بیابانی وسیع.

گرمای بیش از حد غدیر خم و موقعیت آن:

عَرَفُوهُ غَدِيرَ خَمٍّ وَلَيْسَ الـ
غُورٌ إِلَّا ثَمَالَةٌ مِنْ غَدِيرِ
أَيُّ مَسْتَنْقَعٍ وَخَيْمٍ كَأَنَّ الـ
مَاءَ فِيهِ غَضَارَةٌ مِنْ قَيْرِ

(همان: ۳۱)

ترجمه: آن را به نام غدیر خم می‌شناختند، اما آن گودی، جز ته مانده‌ای از برکه‌ی آب، چیزی نبود. یعنی باتلاقی بد آب و هوا که گویی آب آن قیرسیاه باشد.

نگرانی و انتظار پیامبر(ص) و نزول جبرئیل و وحی آسمانی سخن:

وَإِذَا بِالنَّبِيِّ يُرْقَبُ شَيْئًا
وَهُوَ فِي مِثْلِ جَمْرَةِ الْمَسْجُورِ
جاء جبريل قائلاً: (يا
نبيّ الله بلغّ كلام رب مجير

أنت في عصمة من الناس فائتر
بينات السماء للجمهور
وأذعها رسالة الله وحيا
سرمديا وحجة للعصور

(همان)

ترجمه: در آن هنگام پیامبر(ص) که چون اخگری برافروخته می‌مانست، نگران و منتظر چیزی بود. جبرئیل آمد و ندا در داد: ای پیامبر، کلام پروردگار پناه دهنده‌ات را ابلاغ کن. تو از شر مردمان در امانی پس آیات آسمانی را برای همگان، منتشر نما. و این آیات را که وحیی همیشگی و حجتی برای همه‌ی دوران است، بیان کن.

وصیت پیامبر(ص) و معرفی امام علی(ع) به عنوان ولی:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا اللَّهُ مَوْلَا
كُمُ وَمَوْلَايَ نَاصِرِي وَمَجِيرِي
ثُمَّ إِنِّي وَلِيكُم مِّنْذَكَانَ الـ
سَدِّهِرِ طِفْلًا حَتَّى زَوَالَ الدَّهْوَرِ

يا إلهي من كنت مولاه حقاً فعلىّ مولاه من غير نكير

يا إلهي وال الذين يوالون إبـ
من عمي وانصر حليف نصيري

کن عدوا لمن یعادیه واخذل کل نکس وخاذل شریر

(همان: ۳۳)

ترجمه: (ای مردم همانا خداوند مولای من و شما و و یاریگر و پناه دهنده‌ی من است. و من از زمان پیدایش روزگار تا ابدیت، ولی شما خواهم بود، بار پروردگارا، هر کس که من مولا و سرپرست اویم، از این پس، علی(ع) بی‌شک، مولای او خواهد بود. خدایا دوست بدار دوستان پسر عمم را و یاری کن هم‌پیمانان یاریگر مرا. دشمن بدار دشمنانش را و خوار کن هر انسان پست و حقیر و بدکردار را.)

البته باید خاطر نشان کرد که توصیفات بولس سلامه محدود و منحصر به همین موارد نیست و ذکر همه‌ی آنها در این مجال کوتاه از عهده‌ی نویسنده بر نمی‌آید. برخی دیگر از شاعران از جمله حسان بن ثابت انصاری، سید حمیری، ملک صالح، شیخ کاظم ازری، در قالب چند بیت ماجرای غدیر را شرح داده‌اند و جریان ولایت حضرت علی(ع) را مانند اجتماع مردم و بالا رفتن از پالان شتران و بلند کردن دست علی(ع) توسط پیامبر(ص) و اعلام ولایت او از جانب رسول اکرم(ص) را به تصویر کشیده‌اند، مانند غدیری‌ی حسان بن ثابت انصاری که به شاعر النبی نیز مشهور است (تبریزی، بی تا، ج ۱: ۳۲۳):

ینادیهم یوم الغدیر نیبهم بخمّ وأسمع بالرسول منادیا

وقد جاءه جبریل عن أمر ربّه بأنک معصوم فلا تک والیا

(حسان بن ثابت، ۱۹۲۹، ج ۲: ۱۴۲)

ترجمه: پیامبر گرامی، روز عید غدیر به مسلمانان ندا داد و چه شنوا منادی است رسول اکرم(ص). جبرئیل از جانب حق این حکم آورد که تو در حمایت مایی پس نگران نباش و این کار را رها مکن.

همانطور که مشاهده می‌کنیم شاعر در این غدیری‌ی به صورت مستقیم به ماجرای غدیر پرداخته است، البته این ماجرا فقط به خطبه‌ی پیامبر اکرم(ص) و بلند کردن دست علی(ع) و دعا در حق او و دوستدارانش و نفرین دشمنان ایشان محدود می‌شود و از شرایط مکانی و زمانی غدیر سخنی نمی‌گوید و همچنین از رخدادهای بعد از غدیر نیز حرفی به میان نمی‌آورد. اما این اولین قصیده‌ایست که راجع به غدیر سروده شده و حسان در حضور بیش از صدها هزار نفر جمعیت که در میانشان سخنوران و شاعران بنامی بوده و به دقائق سخنرانی واقف بودند، این قصیده را خواند و فصیحترین مرد عرب که خود رسول

اکرم(ص) بود، شاعر را تصدیق نمود و مورد عنایت و لطف خویش قرار داد و فرمود: «لا تزال يا حسان مؤيدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانك» (امینی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۴). اما غدیریه‌سرایان دیگر، در لابلای قصاید خود، گذرا و به صورت اشاره، به غدیر گریز زده‌اند و ولایت امام را با استناد به ماجرای غدیر به عنوان فضیلتی برای وی بازگو نموده‌اند و بدینگونه اعتقاد خود را نسبت به ولایت این امام همام نشان داده‌اند. در این میان علاوه بر اشاره به این جریان مهم، بعضی شاعران فواید و آثار ولایت را نیز بازگو کرده‌اند. به عنوان مثال محمد بن عبدالله حمیری، ایمان واقعی، اطاعت پروردگار و شفای دل‌های مریض را از آثار ولایت‌پذیری قلمداد می‌کند:

ولایت‌ه‌ی‌ الایمان‌ حقاً	فذرنی‌ من‌ أباطیل‌ الکرام
وطاعة‌ ربنا‌ فیها‌ و فیها	شفاء‌ للقلوب‌ من‌ السقام
ولا‌ والله‌ لا‌ تزکو‌ صلاة	بغیر‌ ولایة‌ العدل‌ الإمام

(همان: ج ۲: ۱۷۷)

ترجمه: ولایت او حقیقتاً ایمان است پس مرا با سخنان بیهوده چه کار؟ اطاعت پروردگار و شفای دل‌های مریض در ولایت او خلاصه شده‌است. او ولایت را شرط اصلی قبولی اعمال می‌داند که دیگر عبادات را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد:

ولا‌ والله‌ لا‌ تزکو‌ صلاة	بغیر‌ ولایة‌ العدل‌ الإمام
----------------------------	----------------------------

(همان)

ترجمه: به‌خدا سوگند، نماز هیچ کس بدون ولایت آن امام عادل، قابل پذیرش نیست. از سوی دیگر آتش جهنم و عدم قبولی طاعات، از نتایج شوم عدم پذیرش ولایت در نظر این شاعر می‌باشد:

یحلّ‌ النار‌ قوم‌ أبغضوه	وإن‌ صلّوا‌ وصاموا‌ ألف‌ عام
--------------------------	------------------------------

(همان)

ترجمه: دشمنان او در آتشند هر چند هزار سال نماز بخوانند و روزه بگیرند.

۵.۲ نکوهش سقیفه

علی(ع) گوهر تابناک ولایت و مظلومی گمشده در سقیفه است، و سقیفه نقطه‌ی جدایی مومنان از منافقان می‌باشد، معیاری که تا قیامت محک شناخت حق از باطل خواهد بود. آنجا که منافقان فرمان مولای فقیدشان را نادیده انگاشتند و هوای نفس را رهبر خود دانسته و ولایت را غصب کردند و ناهلان را بر تخت خلافت نشانند. امری که دل محبان اهل بیت(ع) را به درد آورد و گوهر اشک را بر دیدگان نشانند. شاعران غدیریه‌سرا نیز از این مسأله مهم غافل نمانده و به انحاء مختلف به نکوهش سقیفیان پرداخته‌اند. محمد حمیری از آنان که علی(ع) را با آنکه مقدم و پیشوا بود، نادیده گرفتند بیزازی می‌جوید:

وأبرأ من أناس أخره وکان هو المقدم بالمقام

(همان)

ترجمه: من از آنانکه خلافت او را تأخیر انداختند، بیزارم چرا که او در این مقام بر همگان مقدم بود.

سید حمیری نیز به بیان عکس‌العمل منافقان می‌پردازد که بعد از وفات پیامبر(ص) گفته‌های او را فراموش کرده و هنوز او را به خاک نسپرده‌بودند که علی(ع) را رها کردند:

وَضَلَّ قَوْمٌ عَاضِمَ فَعْلِهِ كَأَنَّمَا أَنَا فِهِمْ تَجَدَعُ
حَتَّى إِذَا وَارَوْهُ فِي لِحْدِهِ وَأَنْصَرَفُوا عَنْ دَفْنِهِ ضَيَّعُوا
مَا قَالَ بِالْأَمْسِ وَأَوْصَى بِهِ وَاشْتَرَوْا الضَّرَّ بِمَا يَنْفَعُ

(همان: ۲۱۹)

ترجمه: و آن جماعت که عمل پیامبر(ص) آنان را خشمگین ساخته‌بود، گمراه شدند، گویی که بینی‌شان به خاک مالیده‌شد. و چون او را در خاک نهان کردند و از دفنش فارغ گشتند، هر چه را که دیروز گفته و بدان سفارش نموده‌بود، ضایع کردند و نفع خود را به ضرر تبدیل نمودند.

و چه مصیبتی از این بالاتر که عهد و پیمان محمد(ص) در روز غدیر خم زیر پا گذاشته‌شود و امت وی دچار تفرقه‌گردد. اما مسئول این مصیبت‌ها جز رهبران سقیفه و خلفای سه‌گانه چه کسی می‌تواند باشد؟ مهیار دیلمی، ایشان را با تحکم مورد خطاب قرار می‌دهد و مردم را از اینکه اجماع چند نفر را قبول کردند، نکوهش می‌کند:

میثاقه فیهم ملقی وأُمَّته	مع من بغاهم وعاداهم له شیخ
تضاع بیعته یوم الغدیر لهم	بعد الرضا وتحاط الروم والبیع
وقائل لی علیّ کان وارثه	بالنص منه فهل أعطوه أم منعوا
فقلت کانت هنات لست أذکرها	یجزی بها الله أقواما بما صنعوا
أطاع أولهم فی الغدر ثانیهم	وجاء ثالثهم یقفو ویتبّع

(دیلمی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۲۰۰)

ترجمه: پیمان او را زیرپا گذاشتند و امت و انصار او با تجاوزکاران هم‌رأی گردیدند. بیعت او در روز غدیر تباه گشت حال آنکه یهود و نصاری بخاطر پیمان درامانند. کسی به من گفت: علی(ع) با فرمان رسول(ص) وارث خلافت بود، به او دادند یا محرومش نمودند؟ گفتم فاجعه‌ای بود که بیانش نمی‌کنم، خداوند سزای این جماعت را دهد. دوم آنان در مکر و حيله از سردسته آنان اطاعت کرد و سومى، مطیع و دنباله‌رو آنان گشت.

ولایت، سنت خداوند در زمین است و در سنت خدا تغییری نیست. اما این منافقان بی‌محبا سنت خدا را تغییر دادند؛ منصور بالله شاعر زیدیه و غدیره‌سرای قرن هفتم هجری، چه زیبا افسوس خود را در خیانت سققیان و نقض سنت خداوند بیان می‌کند، افسوسی که در قالب آه و ناله، از قلب داغ‌دیده‌اش بیرون می‌تراود و نزدیک است آن را از جا برکند:

خذ نفتاتی عن فؤاد منصدع	یکاد من بثّ و حزن ینقطع
لحادث بعد النبىّ متّسع	شئتّ شمل المسلمین المجتمع

(امینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۱۸)

ترجمه: آه‌هایم را از قلبی سوخته که از شدت غم و اندوه نزدیک است شکافته شود، دریاب. به سبب حادثه‌ای که پس از رحلت پیامبر(ص) اتفاق افتاد و جمع مسلمانان را به هم ریخت و متفرق نمود.

۳. اسلوب غدیریه‌های عربی

۱.۳ اسلوب ابتدایی غدیریه‌های عربی

با اینکه بحث غدیر، بحثی اعتقادی است، و شاعران با بیان و به‌تصویر کشیدن این قضیه‌ی مهم، در صدد معرفی، تأیید و اظهار ارادت قلبی خود به آن امام می‌باشند؛ اما با این حال

می‌بینیم که تعداد فراوانی از شاعران ذوق سلیم و سلیقه ادبی به خرج داده و این امر مهم را در قالب غزل به‌رشته‌ی نظم کشیده‌اند. کمیت بن زید، سید حمیری، دعبل، صنوبری، ابوفراس، مهیار دیلمی، سید رضا هندی و... از جمله شاعرانی می‌باشند که پیش از پرداختن به ماجرای غدیر، با بیانی زیبا و غزل گونه از عشق سخن گفته‌اند و آن را به تصویر کشیده‌اند، از درد هجران نالیده و در فراق یار بر اطلال، گریسته، و به گونه‌ای نیکو و ماهرانه، این غزل را به جریان غدیر پیوند داده‌اند. اما در این میان شاعرانی هستند که غزل را به سخره گرفته و گریه بر اطلال را امری بیهوده می‌دانند. ملک صالح، غدیریه‌سرای قرن ششم، بر یاران سفر کرده نمی‌گرید و بر اطلال و دمن نمی‌ایستد، زیرا این نوع عشقرا همیشگی نمی‌داند و برای آن به هنگام پیری، دیگر معنایی نمی‌بیند:

لا تبک للجیره السارین فی الظعن ولا تعرج علی الأطلال والدّمن
فلیس بعد مشیب الرّأس من غزل ولا حنین إلی إلف ولا سکن

(همان، ج ۴: ۳۴۱)

ترجمه: بر یاران سفر کرده در محمل گریه مکن و بر ویرانه‌های دیار یار نایست. چراکه پس از پیری، نه غزلی می‌ماند و نه عشقی به یار و مونس.

پس توبه کرده و از بهترین مخلوقات خداوند یعنی رسول برگزیده خداوند، شفاعت می‌جوید و دل به ولایت علی (ع) می‌سپارد:

وتب إلی الله واستشفع بخیرته من خلقه ذی الأیادی البیض والمنن
محمّد خاتم الرّسل الذی سبقت به بشارة قسّ وابن ذی یزن
فاجعله ذخرک فی الدارین معتصما له وبالمرتضی الهادی أبی الحسن

(همان)

ترجمه: و به سوی خدا توبه نما و از بهترین خلقش که صاحب خیر و منت و برکت هستند، شفاعت بجوی. محمد(ص) خاتم پیامبران است که قس بن ساعده و فرزند ذی یزن، مژده‌ی رسالتش را داده‌اند. او را ذخیره‌ی دنیا و آخرت قرار بده و به او و ابا الحسن که ستوده پراهر است، پناه بر و به دامنش چنگ زن.

قاضی جلیس، شاعر معاصر ملک صالح، نیز طبق روال اکثر غدیریه‌ها، با نسیب شروع می‌کند، از لحظه‌ی سخت وداع می‌گوید که در وجودش جز غم و اندوه و اشک و انزوا چیزی به جای نگذاشته‌است. او گرچه پایبند به این عشق است، اما نیک می‌داند آنجا که

سخن از اهل بیت(ع) به میان می‌آید، این عشق را یارای هموردی با آنان نیست، پس ندای عشق را نشنیده می‌گیرد و دعوت خاندان رسول(ص) را اجابت می‌کند:

تصاممتعن داع الصَّبَابَةُ وَالصَّبَا
عشوت بأفکاری إلى ضوء علمهم
ولبیت داعی آل أحمد إذ دعا
فصادفت منه منهج الحق مهیعا

(همان: ۳۸۴)

ترجمه: ندای عشق را نشنیده گرفتم و دعوت منادی خاندان رسول(ص) را اجابت نمودم. اندیشه‌ی تاریک خود را در پرتو دانش آنان روشن ساختم و راه حقیقت را صاف و روشن دریافتم.

سید علی خان مدنی نیز قصیده‌ی خود را با غزل شروع می‌کند، اما نگاه او به نسیب، نگاهی متفاوت است، شاعر از محبوب خود می‌گوید که عشقش حتی حجاج و زائران رکن و مقام را نیز به بند کشیده است، اما او هیچگاه این عشق را مایه آرامش و نشاط نمی‌داند زیرا آرمان او با محبوبی زمینی به تحقق نمی‌پیوندد، پس چگونه دلش به یاد او آرام خواهد گرفت؟ او در پی عشقی دیگر است که هرگز به عشاق دروغ نمی‌گوید و از گمراهی به دور است و آن عشق و محبت به علی(ع) و خاندان پاک اوست:

قد ضلّ طالب غادة حمیت
فی قومها بالبیض والسمر
ومؤئب من حبها سفها
نهته عن منطق الهجر
لا یکذبن الحبّ ألیق بی
وبشیمتی من سبه الغدر
هیهاث یأبی الغدر لی نسب
أغری به لعلی الطهر

(همان، ج ۸: ۲۴۹)

ترجمه: آنکه در پی زیبارخان رود، همواره به گمراهی رفته است، هرچند با شمشیر و نیزه حمایت شود. من او را که از روی نادانی دل به عشق زیبارخان داده است، سرزنش می‌کنم، و او را از سخن گفتن درباره‌ی هجران آنان باز می‌دارم. عشق من هرگز دروغ نمی‌گوید و فحش و ناسزای فریفتگی و گمراهی از من و اخلاقم به دور است. هیهاث که این عشق از دروغ و حيله به دور است زیرا نیاکان من به علی پاک و طاهر منسوبند.

اما شاعران دیگر که قصاید خود را با غزل شروع نکرده‌اند، از همان ابتدا به مدح خاندان عصمت و طهارت(ع) و ذکر فضایل امام(ع) و توضیح جریان غدیر پرداخته‌اند. البته باید خاطر نشان کرد که غدیریه‌های عربی همه به سبک کلاسیک سروده نشده‌اند بلکه در میان

آنها مخصوصاً غدیریه‌های متأخر، شعر نو نیز به چشم می‌خورد، مانند شعر «معروف عبدالمجید»، شاعر متعهد، که بسیار هنرمندانه و با لحنی تحکم‌آمیز، شعری سیاسی را در قالب شعر نو به‌رشته نظم درآورده‌است. شاعر ابتدا خود را در محضر امام علی (ع) معرفی می‌کند و اخلاص شیعی خود را اظهار نموده و تنفر خویش را از امویان که پیام رسول (ص) را نادیده گرفتند، نشان می‌دهد، از مصیبتی که بر جامعه‌ی مسلمانان عرب وارد شده، سخن می‌گوید که بواسطه‌ی آن نامردان و بدکاران، بنام اسلام و پیامبر (ص) بر جامعه‌ی آنان حکومت می‌کنند و از اسلام جز نامی برجای نگذاشته‌اند، مبهوت عالم غرب و بی‌دینی گشته و خدا و قرآن را به‌فراموشی سپرده‌اند. او ریشه‌ی همه‌ی این بدبختیها را از روزی می‌داند که عبا و برد نبوی از حضرت علی (ع) گرفته‌شد و بجای بیعت با او، دست خلیفه‌ی اول را فشردند :

فلتخرس كل إذاعات الفجار المسموعة والمرئية

ولتحرق صفحات الأحداث

وتصمت أخبار القتل

وأنباء السرقة

أفلم تسرق منك عباء تك البيضاء

والبرد النبوي الأشرف

(عبدالمجید، معروف، ۱۴۲۰: ۱۷۲)

ترجمه: باید تمام رسانه‌های دیداری و شنیداری فاجران خاموش گشته و صفحات حوادث سوزانده‌شود، و اخبار کشتار و سرقت مسکوت بماند، مگر عباى سپید و برد نبوی شریف تو را سرقت نکردند؟

۲.۳ اسلوب انتهای غدیریه‌های عربی

مورد بارزی که در سبک انتهای غدیریه‌های عربی قابل توجه است، سبک اقناعی این قصاید می‌باشد، شاعران غدیریه‌سرا معمولاً در ضمن پرداخت به ماجرای غدیر، با بیانی انکاری و استفهامی، فضایل امام (ع) را بر می‌شمرند و به گونه‌ای این ویژگی‌های اخلاقی را بیان می‌کنند که کاملاً در ذهن خواننده تثبیت گردد و مخاطب به این فضایل و سجایا اقرار کند.

بنابراین لحن شاعران چنان نشان می‌دهد که این اخلاقیات در وجود مقدس امام(ع) وجود دارد و شکی در آنها نیست و هدف فقط تقریر و اعتراف است گرچه در بعضی موارد غرض از استفهام در شعر شاعر توییح است، آنهم به سبب نادیده گرفتن امام(ع) که چون خورشیدی درخشان در آسمان تاریک جهل و گمراهی نورافشانی می‌کند، اما آنان که خود را به نابینایی زده‌اند، هرگز نخواهند دید.

۴. پردازش زیبایی‌شناسی غدیریه‌های عربی

غدیریه‌ها گرچه سراسر اظهار ارادت و بیان سجایای اخلاقی و معرفی بیشتر امام علی(ع) هستند؛ اما این امر مانع از استفاده‌ی هنرمندانه شاعر از تصاویر شعری زیبا و بدیع نمی‌باشد، و پای خیال در این تصاویر بسته نیست. انواع جناس، کنایه، استعاره و صنایع بدیعی زیبا چون طباق، تکرار، حسن تعلیل، مراعات النظیر و ... در اشعار غدیر، همه نشان‌دهنده‌ی قدرت شعری، بی‌نظیر این غدیریه‌سرایان می‌باشد که از شعر آنها تابلویی زیبا و جذاب در مقابل مخاطب ساخته و باعث شده اشعارشان در طول تاریخ جاودانه بماند و سینه به سینه به نسلهای دیگر منتقل شود. به عنوان مثال ابوفراس در غدیریه‌ی خود که آنرا به زیور غزل آراسته‌است، از انواع متنوع تشبیه، تشبیه بلیغ و تشبیه مقلوب ماهرانه بهره‌برده‌است:

فی لیلۃ حسنت لنا بوصاله فكأنما من حسنها إیاه
وكانما فیها الثریا إذ بدت كف یشیر إلی الذی یهواه

(حمدانی، ابوفراس، ۳۴۷: ۱۴۲۸)

ترجمه: در شبی که از وصال او برای ما زیبا گشته‌بود، گویی که شب در زیبایی، بسان محبوب ما گشته بود. و گویا در آن شب ستاره‌ی ثریا چون کف دستی به محبوبش اشاره می‌کرد.

علاوه بر تشبیه، ابوفراس در بیان زیبایی محبوب از استعاره نیز غافل نگشته‌است:

ظبی لو أن الدرّ مرّ بخده من دون لحظة ناظر أدماء

(همان)

ترجمه: محبوبم چنان غزالی است که اگر مروارید اشک بر گونه‌اش بغلتد، بدون نگاه بیننده‌ای او را خونین خواهد ساخت.

البته باید خاطر نشان ساخت استطراد و پراکنده‌گویی خود یکی از عناصر مهم زیبایی شناسی در شعر ابوفراس می‌باشد، او ابتدا قصیده‌ی خود را با نسیب آغاز می‌کند و پس از ذکر ابیاتی در این مجال، با هنرمندی بسیار بدیع، گریزی به مرثیه می‌زند و موضوع را از غزل به ذکر مصائب امام حسین(ع) می‌کشاند و پس از آوردن ابیاتی چند، باز موضوع را تغییر داده و به مناقب امام علی(ع) می‌پردازد. البته باید گفت این گریز زدن‌ها با رابطه برقرار می‌شود، به عنوان مثال می‌بینیم که شاعر چه زیبا از غزل به رثا پرداخته‌است:

فحرمت قرب الوصل منه مثلما حرم الحسین الماء وهو یراه

(همان)

ابوتمام نیز از غدیریه‌سرایان زبردستی است که با بکارگیری صنایع بیانی در شعر خود زیبایی را به حد اعلی رسانده‌است. او برای نکوهش آنانکه از بیعت با امام علی(ع) سرباز زدند، چنین می‌گوید:

سیحدوکم إستسقاؤکم حلب الردی إلی هوة لا الماء فیها ولا الخمر
سأتم عبور الضحل خوضاً فأیة تعدونها لو قد طغی بکم البحر

(امینی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۲)

ترجمه: بزودی این آبجویی از پستان مرگ شما را به پرتگاهی می‌کشاند که آب و شرابی در آن نیست. شما که از فرو رفتن در جویی خرد به ستوه آمدید، آنگاه که دریا بر شما بشورد، چه می‌کنید؟

استعاره‌ی مکثیه در عبارات «حلب الردی» و استعاره‌ی مصرحه در عبارت «طغی بکم البحر» بر پویایی شعر ابوتمام افزوده‌است.

غدیریه‌ی سید رضا هندی نیز سرشار از آرایه‌های زیبای ادبی است و همین امر اثرش را ماندگار ساخته‌است. نمونه‌هایی از این آرایه‌ها را در اشعار او متذکر می‌شویم:

والخال بخدک أم مسک نقطت به الورد الأحمر

(موسوی، ۱۳۷۰: ۱۰)

ترجمه: این خال گونه‌ی توست یا مشکی که بدان گل سرخ چهره‌ات را نقطه گذاری؟ در این بیت دو صنعت زیبا در کنار هم این بیت را به یک اثر ادبی زیبا تبدیل نموده‌است؛ مورد اول، صنعت تجاهل العارف است که با استفهام انکاری زیباتر جلوه‌نموده

است، و مورد دوم، استعاره است که در «الْوَرْدَ الْأَحْمَرَ» جاری شده و استعاره از گونه می‌باشد.

فدم العنقود ولحن العود يعيد الخیر وینفی الشرّ

(همان)

ترجمه: چرا که خون انگور و نغمه‌ی عود خوبی را باز می‌آورد و بدی را دور می‌سازد.

«دَمُّ الْعُنُقُودِ» کنایه از شراب است و در واژه‌های «خیر» و «شر» طباق وجود دارد.

قطبا للحرب یدیر الضرب ویجلو الکرب بیوم الکرب

(همان)

ترجمه: تو به منزله‌ی محور جنگها بودی که کارزار را اداره می‌کردی و اندوه را می‌زدودی.

در واژه‌های «کرب» و «کر» جناس وجود دارد که همین امر باعث هم‌افزایی موسیقی درونی بیت می‌شود.

أمفلج ثغرک أم جوهر ورحیق رضابک أم سکر

(همان)

ترجمه: آیا این دندان‌های میاندار توست یا گوهری درخشان؟ و آیا این شهید دهان توست یا شکر؟

صنعت تجاهل العارف از استفهام در مصراعها کاملاً مشهود است.

آیات جلالک لا تحصی وصفات کمالک لا تحصر

(همان)

ترجمه: نشانه‌های جلال و شکوه تو قابل شمارش نیست و صفات کمال تو نا محدود است.

صنعت «ترصیع» و رعایت قافیه‌های داخلی در «آیات» و «صفات» و «جلال و کمال» دیده می‌شود که همه‌ی این موارد علاوه بر زیبایی اشعار، به موسیقی درونی ابیات نیز افزوده‌اند.

البته استخدام صور شعری، در اکثر غدیریه‌ها وجود دارد ولی این فراوانی‌ها متغیر است. با مطالعه‌ی غدیریه‌ها در قرون مختلف می‌توان دریافت این آثار در قرنهای اولیه از حرارت و

شور بیشتری برخوردارند. نزدیکی زمان شاعران به زمان غدیر خود می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد، از طرف دیگر دوره‌های صدر اسلام و بنی امیه و اوایل عباسی، دوران رشد و شکوفایی شعر است که دلیل این امر، سیاسی شدن ادبیات نیز می‌باشد. اما هر چه به دوران انحطاط نزدیک می‌شویم، به دلیل عدم وجود فضای مناسب و ضعف تعامل سیاسی با شیعیان، از حرارت شعر کاسته می‌شود. غدیره‌سرایان این دوره عمدتاً شاعر نبوده‌اند، بلکه فقیه، محدث، راوی، قاضی و غیره بوده‌اند که در کنار شغل خود شعر نیز می‌سرودند، یعنی شعر این دوره به وادی فقها و محدثین کشیده می‌شود، از همینرو می‌بینیم که شعر آنها بیشتر جنبه‌ی روایی و تاریخی دارد تا جنبه‌ی ادبی، یعنی شاعر به حفظ امانت اهتمام بیشتری گمارده تا حفظ جنبه‌ی ادبی اثر. این روند تا حدود قرن دوازده ادامه می‌یابد، اما بعد از این سیر نزولی، دوباره شاهد یک سیر صعودی در غدیره‌ها هستیم. به طور واضح می‌توان این اختلاف را در شعر سیدرضاهندی مشاهده کرد. او با استفاده از گستره‌ی خیال و عاطفه‌ی قوی و صادق و بکارگیری صنایع بلاغی زیبا و بدیع، به غدیره‌ی خود شور و حرارت بارزی می‌بخشد، بولس سلامه نیز با اینحال که شاعری مسیحی است؛ اما توانسته‌است با توصیفات جزئی و نگاه ریزبینانه، ملحمه‌ای طولانی، زیبا و تأثیرگذار بیافریند. در قرن پانزدهم نیز با سبک جدید شعر، یعنی شعر نو، روبرو می‌شویم که در جای خود اثری بسیار زیبا و بدیع است.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از مطالعه و بررسی غدیره‌های عربی در قرون مختلف ادبیات عربی، حاکی از آنست که:

۱. در شعر عربی درونمایه‌هایی از قبیل ابراز ارادت به آستان مقدس امام علی(ع)، براثت از دشمنای وی، بیان فضائل اخلاقی امام(ع)، توصیف ماجرای غدیر و نکوهش سقیفه، بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده‌است و غدیره‌سرایان در قالب این موضوعات، ولایت مداری خود را به آن امام گرامی نشان داده‌اند.
۲. صدق عاطفه و شور دینی، حق‌گرایی به جای مصلحت‌طلبی، ظلم ستیزی و عدالت محوری، اشاره و استدلال به وقایع و رخدادهای مسلم تاریخ و تصویر سازی پویا و اثر گذار از غدیر، از ویژگی‌های مهمی است که غدیره‌های عربی بدانها مزین گشته‌است.

۳. از حیث خیال و زیبایی‌شناسی، می‌توان گفت در عصر صدر اسلام و دوره‌های نزدیک به آن، به علت قرابت شاعران با بحث غدیر، غدیریه‌ها از شور و حرارت بیشتری برخوردارند و غدیریه‌سرایان در این نوع اشعار، عنان خیال خود را رها کرده و قصاید خود را طبق روال رایج قصاید عربی با غزل شروع کرده‌اند و با استخدام تصاویر شعری زیبا و تشبیهات و استعارات و صنایع بدیعی جذاب، در زیباسازی اشعار خود کوشیده‌اند، اما رفته رفته با شروع دوره‌ی انحطاط، غدیریه‌های بیشتر جنبه‌ی روائی و تاریخی پیدا کردند تا جنبه‌ی ادبی، و شاعران به حفظ امانت اهتمام بیشتری گماردند تا حفظ جنبه‌ی ادبی اثر. البته این امر پایدار نماند و در حدود قرن دوازده شاعران غدیریه‌سرا دوباره میراث غدیریه‌سرایان متقدم را احیا نمودند و باز هم پای خیال و زیبایی‌های بلاغی به غدیریه‌های عربی گشوده‌شد.

۴. غدیریه‌های عربی فقط در قالب شعر عمودی و کلاسیک سروده نشده‌است، بلکه در قرن حاضر با اشعار نو مانند غدیریه‌ی «معروف عبدالمجید» غدیریه‌سرای قرن معاصر نیز مواجه می‌شویم.

کتاب‌نامه

- ابوتمام (۱۹۹۷)؛ *دیوان ابوتمام*، تقدیم و شرح محیی‌الدین الصبحی، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر.
- أبوفراس (۱۴۲۸)؛ *دیوان أبی فراس الحمدانی*، شرح خلیل الدویهی، بیروت: دار الکتب العربی.
- امین، محسن (۱۹۵۰)؛ *أعیان الشیعة*، چاپ اول، بیروت: انصاف.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۱)؛ *الغدیر فی الکتاب و السنة . الأدب*، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- بستانی، بطرس (۱۹۹۰)؛ *أدباء العرب فی العصر العباسیة*، بیروت: دار الجیل.
- بغدادی، خطیب (۱۹۸۶)؛ *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تبریزی، محمد علی (بی تا)؛ *ریحانة الأدب*، ج ۱، چاپ دوم، تبریز: شفق.
- حسان بن ثابت انصاری (۱۹۲۹)؛ *دیوان حسان بن ثابت انصاری*، شرح عبدالرحمن برقوفی، مصر: مطبعة الرحمانیة.
- دیلمی، مهیار (۱۹۹۹)؛ *دیوان مهیار الدیلمی*، شرح أحمد نسیم، ج ۲، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- السید، کمال (۲۰۰۴)؛ *بولس سلامه شاعر الغدیر و کربلاء فی الزمن الأخير*، الطبعة الأولى، بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.
- الشریف الرضی (۱۹۹۹)؛ *دیوان الشریف الرضی*، شرح محمود مصطفی الحلاوی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الأرقم.

ابوالحسن امين مقدسى و اعظم شمس الدينى فرد ۲۳

عبدالمجيد، معروف (۱۴۲۰هـ.ق)؛ بلون الغار بلون الغدير، الطبعة الأولى، قم: مركز الدبحاث العقائديه.
موسوى هندى، سيد رضا (۱۳۷۰)؛ چكامهى كوثرية يادوارهى غدير خم، تهران: طور.